بيانات مقام معظم رهبري در ديدار اقشار مختلف مردم به مناسبت هفته وحدت - 19 /مهر/ 1368

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
در ابتدا از همه‌ي شما آقايان و خواهران محترم كه از نقاط مختلف تشريف آورديد، مخصوصا از آقايان علماي اعلام و ائمه‌ي محترم جمعه و خانواده‌هاي معظم شهيدان و جانبازان و اسرا، صميمانه تشكر مي‌كنم و توفيق همه‌ي شما برادران و خواهران را از خداوند مسألت مي‌نمايم.
مسأله‌يي كه لازم است در آستانه‌ي هفته‌ي وحدت به همه‌ي ملت ايران و همچنين به مسلمانان عالم عرض كنم، اهميت وحدت بين مسلمين و ارتباط برادرانه ميان برادران مسلمان در همه جا و در همه‌ي شرايط است. در ابتدا بايد معلوم كنيم كه مقصود ما از وحدت مسلمانان چيست؟ آيا مقصود اين است كه مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب ديگري اعتقاد پيدا كنند و عمل نمايند؟ نه، مقصود اين نيست. ما وقتي به وحدت دعوت مي‌كنيم، مقصود ما اين نيست كه فرق مسلمين ـ اعم از شيعه و سني ـ يا فرقي كه داخل تشيع و تسنن هستند، موظف و مجبورند كه از عقيده‌ي خود دست بردارند و به عقيده‌ي سومي يا به عقيده‌ي طرف مقابل، گرايش پيدا كنند. اين، چيزي است كه به تحقيق و تفحص و مطالعه‌ي هر كسي وابسته است و بينه و بين‌الله تكليف اوست. بحث ما اين نيست.
بحث ما اين است كه مي‌خواهيم به همه‌ي مسلمانان ـ از شيعه و سني ـ بگوييم و تذكر بدهيم كه شما يك نقاط مشترك و يك نقاط اختلاف و افتراق داريد. در بعضي چيزها، با هم شريكيد و يك طور فكر و عمل مي‌كنيد و در بعضي چيزها، هر فرقه روش خود را دارد.
نكته اين است كه اولا، آن نقاط اشتراك بيشتر از نقاط افتراق است. يعني همه‌ي مسلمين، به خداي واحد و قبله‌ي واحد و پيامبر واحد و احكام و نماز و روزه و زكات و حج اعتقاد دارند. شما دو نفر مسلمان را پيدا نمي‌كنيد كه وقتي صبح مي‌شود، براي نماز بلند نشود; مگر اين كه بخواهد به تكليفش عمل نكند، والا همه‌ي مسلمين عالم معتقدند كه صبح و ظهر و عصر و شب، بايد نماز خواند و مستحب است كه در نيمه‌ي شب، نماز شب بجا آورد. همه‌ي مسلمين عالم معتقدند كه نماز را بايد به طرف كعبه و به زبان قرآن و از آيات قرآن خواند. همه‌ي مسلمين عالم، ماه رمضان كه فرا مي‌رسد، آن وقتي كه فهميدند روز اول ماه است، روزه مي‌گيرند; مگر كسي كه نخواهد به تكليفش عمل كند و بخواهد فسق كند، والا همه‌ي مسلمين عالم به اين امور اعتقاد دارند.
هم اكنون بيش از يك ميليارد نفر مسلمان در نقاط مختلف عالم زندگي مي‌كنند كه نقطه‌ي تراكم آنها، همين منطقه‌ي بين شرق و غرب است كه از لحاظ استراتژيكي و موقعيت جغرافيايي و وضعيت اقليمي و آب و هوايي، حساسترين مناطق عالم دست اينهاست. قديميترين تمدنها و عميقترين فرهنگها، در همين منطقه‌يي بوده كه مسلمانان در آن زندگي مي‌كنند. آن وقتي كه ديگر مردم در وحشيگري بودند، همين مردم مسلمان بودند كه دنيا را با علم و معرفتشان اداره مي‌كردند. مسلمانان، جمعيتي متشكل و منسجم هستند، كشورهايشان نزديك به هم است، ملتها از لحاظ فرهنگ به هم متقاربند و در تمام نقاط دنيا كساني را از خود دارند كه همه‌ي آنها مسلمانند.
ما مي‌گوييم: اي مسلمانان عالم! در هر جاي دنيا كه هستيد، اگر با هم دشمني نكنيد، عليه هم مبارزه و جنگ نكنيد و دشمنان و دوستانتان را بشناسيد، وضع زندگي شما با آنچه كه امروز است، تفاوت خواهد كرد. امروز، دچار تشتت و ضعف و عقب‌ماندگي هستيد. كشورهاي اسلامي ـ غالبا يا عموما ـ فقير و وابسته و اسيرند. دشمنان اسلام مي‌خواهند اسلام را از ميان كشورهاي اسلامي بزور بيرون برانند. قلب آحاد مردم مسلمان، با اسلام و خداست. آنها به اسلام علاقه‌مندند. سياستها و قدرتهاي بزرگ جهاني سعي مي‌كنند به‌وسيله‌ي دولتهاي دست‌نشانده، مردم را از اسلام دور نمايند. اگر شما با هم باشيد و با هم دعوا نكنيد و نيروي خود را ـ كه عنصر عظيمي است و براي بهتر كردن دين و دنياتان، مي‌شود از آن استفاده كنيد ـ عليه يكديگر مصرف نكنيد، اهداف پليد دشمن محقق نخواهد شد.

ما نمي‌گوييم كه سنيهاي عالم بيايند شيعه بشوند، يا شيعه‌هاي عالم دست از عقيده‌شان بردارند. البته، اگر يك سني يا هر كسي تحقيق و تفحص كرد، عقيده‌اش هر چه شد، بايد بر طبق عقيده و تحقيق خودش عمل كند. تكليف او با خدايش است. حرف ما در هفته‌ي وحدت و به عنوان پيام وحدت اين است كه مسلمانان بيايند با هم متحد بشوند و با يكديگر دشمني نكنند. محور هم كتاب خدا و سنت نبي‌اكرم (صلي‌الله‌عليه‌واله‌وسلم) و شريعت اسلامي باشد. اين حرف، حرف بدي نيست. اين حرف، حرفي است كه هر عاقل بي‌غرض و منصفي، آن را قبول خواهد كرد. از سالها قبل از انقلاب كه اين حرف به صورت رقيقي گفته مي‌شد، دستگاههاي وابسته به استكبار جهاني، با آن مخالفت كردند. از وقتي كه انقلاب اسلامي پيروز شد، مستكبران عالم فهميدند كه اگر اين حرف ـ يعني اتحاد مسلمين ـ پا بگيرد، مسلمانان به پايگاه و مركز و كانون و ام‌القراي اسلام ـ يعني ايران اسلامي ـ متوجه خواهند شد. لذا از اول پيروزي انقلاب، پولهاي زيادي از طرف دولتهاي مرتجع و وابستگان به استكبار، براي ايجاد اختلاف خرج مي‌شود. در كشورهاي مختلف، اعم از كشورهاي عربي يا اردوزبان و يا حتي در خود كشور اسلامي، به طرق نامرئي و با دستهاي پنهان، مي‌خواهند نگذارند اين وحدتي كه پيام انقلاب و اسلام است، پا بگيرد. ما مي‌گوييم اين وحدت را بايد مهم شمرد. حرف ما اين است.

البته، بعضي در بيان مطلب اشتباه مي‌كنند. وقتي كه آنها اين حرفها را مي‌زنند، شايد خيلي هم ساده نباشد. وقتي مي‌خواهند وحدت اسلامي را بيان كنند، مي‌گويند كه در صدر اسلام، نه شيعه و نه سني بود; پس شيعه و سني غلط است! نه، اين حرف نادرست و سستي است. بحث سر اين نيست كه در صدر اسلام، آيا شيعه و سني وجود داشت يا نه. بالاخره بعد از پيامبر، آراي مسلمين متفاوت شد. يك عده در مسأله‌ي امامت نظري داشتند و عده‌يي نظر متفاوت ديگري داشتند. بعضي منبع احكام الهي را يك چيز و بعضي چيز ديگري دانستند. بنابراين، در اصول و فروع، از همان اول اختلافاتي بين مسلمانان به وجود آمد. اين كه ما بگوييم در صدر اسلام، نه شيعه و نه سني بود، حرف غلطي است. امروز اين حرف، در حقيقت به معناي نفي كردن و از بين بردن معارف و فقه و محصول فرهنگي همه‌ي فرق مسلمين است. روي هر چه دست بگذارند، مي‌گويند در صدر اسلام نبوده، پس اين غلط است! اين، خودش حرفي شبيه توطئه است.

اوايل انقلاب، در ايران هم بعضي آدمهاي كج‌سليقه يا واقعا سوء نيت‌دار بودند كه از اين حرفها مي‌زدند. حالا هم در دنيا، بعضي آدمهايي كه اصلا چيزي از اسلام سرشان نمي‌شود، از اين حرفها مي‌زنند. ما آن مطالب را نمي‌گوييم; ما مي‌گوييم بالاخره اين دو جريان عمده ـ يعني تسنن و تشيع ـ وجود دارد كه جريان عمل به فقه اسلام از طريق اهل بيت، تشيع است و جريان عمل به شريعت اسلام از غير طريق اهل بيت، برادران اهل تسنن پيرو آن هستند.البته، آنها هم اهل بيت را قبول دارند، منتها مثل ما انتهاي سلسله را اهل بيت نمي‌دانند; بلكه آنها را به عنوان راوي‌يي كه ممكن است سخني را از پيامبر نقل بكند، ملاك قرار مي‌دهند. ما اين‌طور معتقد نيستيم. ما هر چه را كه اهل بيت رسول‌اكرم فرمودند، آن را حكم خدا و مثل بيان پيامبر (ص) مي‌دانيم. ما آنها را معصوم مي‌دانيم. حالا هر كسي مبنايي دارد. ما مي‌گوييم اين دو جريان كه از اوايل اسلام و بعد از رحلت پيامبر (ص) بودند و تا حالا هم هستند، هر كدام زندگي خود را بكنند و با هم دشمني نكنند.

امروز، پولهاي نفت براي نوشتن كتاب ضد شيعه مصرف مي‌شود. دلارهاي امريكايي براي رد تشيع به كار مي‌رود و به زبان عربي و اردو كتاب نوشته و ترجمه مي‌شود. اينها، دستهاي شيطانند. اينها، انسانهاي سالمي نيستند كه اين چيزها را مي‌نويسند. هر جا باشند، همين‌طورند.

ما مي‌گوييم امروز نبايد آتش‌افروزي كرد. هر كسي عقيده‌ي خود را داشته باشد و آن را اثبات هم بكند. ما نمي‌گوييم وقتي گويندگان مذاهب مختلف اسلامي، بر منابر خود قرار مي‌گيرند، استدلال نكنند و عقيده‌ي خود را اثبات ننمايند. نه، استدلال و اثبات بكنند، اما اثبات عقيده بحثي است و دشمني كردن با طرف مقابل و همصدا شدن با استكبار جهاني و نيروها را صرف جنگ داخلي بين مسلمين كردن، بحث ديگري است.

لذا يكي از پيامهاي عمده‌ي انقلاب ما، وحدت مسلمين است. ما در همه‌جاي دنياي اسلام، اين حرف را مي‌زنيم و به كساني كه در كشورهاي مختلف، همه‌ي همتشان را براي مقابله با انقلاب اسلامي و وارد آوردن تهمت و بستن

دروغ به آن يا به رهبر فقيد عظيم‌الشأن انقلاب يا نقد آراي ملت مسلماني كه در اين‌جا با همه‌ي وجودشان، در راه خدا و اسلام مخلصانه مبارزه مي‌كنند، گذاشتند; نصيحت مي‌كنيم.
در همان روزهاي جنگ تحميلي كه ملت ما با همه‌ي وجود، فشار امريكا و استكبار را حس مي‌كرد و آن را تحمل مي‌نمود و زيربار تحميل امريكا نمي‌رفت، يك عده قلمها و دستها و حنجره‌هاي مزدور در دنيا پيدا شدند و شروع به مناقشه و خدشه و اهانت به آراء و عقايد اين ملت شجاع و مبارز و قهرمان و ايثارگر و فدايي راه خدا و اسلام كردند. ما مي‌گوييم اين حنجره‌هاي ناسالمي كه امروز در دنيا عليه انقلاب اسلامي و ملت ايران و مذهب و راه آنها كار مي‌كنند و شعار مي‌دهند و حرف مي‌زنند، مزدورند.
البته، ما يكجانبه حرف نمي‌زنيم. ما به همه‌ي مسلمين عالم ـ هم سني و هم شيعه ـ اين سفارش را مي‌كنيم. داخل كشور خودمان، برادران شيعه و سني را در كنار هم در نماز جماعت و صحنه‌ي خونين جنگ و عرصه‌ي مبارزات سياسي و حضور در صحنه‌هاي گوناگون انقلاب و در انتخابات و در مجلس شوراي اسلامي و در همه جا، با يكديگر ديديم و مي‌بينيم و هستند. آنها با هم مهربانند و مشكلي هم ندارند .
ما به همه مي‌گوييم كه احترام يكديگر را حفظ بكنند و به عقايد و مقدسات هم اهانت نكنند. اگر كسي به بهانه‌ي عقيده‌يي بخواهد به مقدسات ديگران اهانت بكند، از نظر ما به هيچ وجه قابل دفاع نيست. محبت، طرفيني است. بايستي همه با هم كمك كنند تا محبت به وجود آيد و دشمن نتواند سوء استفاده بكند; دشمني كه نه با شيعه رابطه‌ي خوبي دارد و نه با سني، بلكه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به آن كينه مي‌ورزد. همان اسلامي كه سني يا شيعه دارد، مبغوض امريكا و مرتجعان است. اختلافات داخلي را براي آن زماني بگذاريم كه از طرف هيچ دشمن جهاني تهديد نشويم. اگر چنين روزي پيش آمد، آن وقت مقابل هم بنشينند و سنگهايشان را با هم حك كنند. امروز، وقت اين حرفها نيست.
لذا من توصيه مي‌كنم هفته‌ي وحدت را ـ كه به مناسبت ميلاد نبي اكرم (صلي‌الله عليه‌واله‌وسلم) از روز دوازدهم تا هفدهم ربيع‌الاول ادامه دارد ـ همه‌ي آحاد مردم، مخصوصا علما و فضلا و گويندگان و دانشمندان و افراد صاحب نفوذ گرامي بدارند و اين مسأله را به عنوان يك شعار جمهوري اسلامي هميشه نگه دارند.
امروز، اين كشورهاي مرتجع منطقه، بدطوري به شعارهاي تفرقه‌افكن و اختلاف‌انگيز چسبيده‌اند. اگر ملت ما در مراسم حج، عليه امريكا و اسرائيل شعار بدهد، آنها اعتراض مي‌كنند و مي‌گويند چرا شما در بين مسلمين حرف جديدي آورده‌ايد؟! اين را تفرقه تلقي مي‌كنند; در حالي كه ايجاد تفرقه نيست، بلكه انجام وظيفه است. مسلمانان ديگر هم بايد شعار دادن عليه امريكا و اسرائيل را از ملت ايران ياد بگيرند.
پولها، قلمها، امكانات، بلندگوها و عناصر مزدور پست كشورهاي مرتجع، مرتب عليه انقلاب و ايران اسلامي و ملت فداكار عمل مي‌كنند. اين، تفرقه و ايجاد شكاف و اختلاف است. لعنت خدا بر آن دستهايي كه به اين ترتيب بين مسلمين ايجاد شكاف و اختلاف مي‌كنند. ما به همه‌ي مسلمانان و متن ملتها اين توصيه را داريم و به ملت برادرمان پاكستان هم مؤكدا اين سفارش را مي‌كنيم كه نگذارند بعضي از روحاني‌نماها و وعاظ وابسته به دربارها و استكبار جهاني، با طرح شعارهاي تفرقه‌انگيز كه بعضا مشاهده مي‌شود، بين برادران اختلاف بيندازند.
جامعه‌ي تشيع در پاكستان، جامعه‌ي مظلوم و بسيار نجيبي است. آنها در جهت تفرقه حركت نمي‌كنند. رهبرانشان، آنها را به برادري اسلامي توصيه مي‌كنند. خداوند شهيد بزرگوار مرحوم سيد عارف حسين را رحمت كند كه در طول مدت مجاهدت و فداكاريش، هميشه مردم را به وحدت و متحد شدن در مقابل استكبار جهاني دعوت مي‌كرد و سرانجام، استكبار با ايادي مرموز و پنهانش او را به شهادت رساند. ما از حركتي كه براي محاكمه‌ي متهمان به قتل آن شهيد عزيز انجام مي‌گيرد، قويا حمايت مي‌كنيم. بايد مسأله دنبال بشود و معلوم گردد كه چه دستهاي مرموز و مزدوري، اين سيد بزرگوار را به شهادت رساندند. اين، حق مردم پاكستان است.
وحدت را مهم بشماريد و هفته‌ي وحدت را يك هفته‌ي حقيقتا پر محتوا و پر مغز قرار بدهيد. در امور ديگر هم، ما اين مسأله‌ي وحدت را مورد تأييد و به‌عنوان يك اصل اسلامي و انقلابي، مورد تأكيد قرار مي‌دهيم. وقتي مي‌گوييم بين برادران شيعه و سني و مذاهب مختلف اسلامي، براي هدفهاي اسلامي اتحاد باشد، پس به طريق اولي،

قشرهاي مختلف مردم فداكار و مبارز ايران، اهل هر شهر و استاني، متكلمان با هر زبان و لهجه‌يي هستند، موظفند وحدت را حفظ كنند.
مبادا دستهاي تفرقه‌افكن و مغرض و يا نادان ـ كه گاهي ضرر آدمهاي نادان از آدمهاي مغرض كمتر نيست ـ با حرف و شعار و نطقي، ايجاد اختلاف كنند. مغرض و جاهل، در نتيجه‌ي عمل يكسانند. همه ـ مخصوصا كساني كه زبان و حنجره‌شان براي گفتن و حرف زدن باز است ـ مراقب باشند با هيچ حركت و اشاره‌يي، موجب اختلاف بين مردم نشوند. همه بايد وحدت را بر محور اصول انقلاب و جريان صحيح نظام اسلامي و ولايت فقيه حفظ كنند. اين، اساس قضيه است. اگر وحدت با انسجام و استحكامي كه تا كنون بوده است، محفوظ بماند، مطمئنا اين ملت و كشور به هدفهاي انقلاب خواهد رسيد.
يك مطلب را هم براي برادران محترم عقيدتي، سياسي ارتش ـ چه برادران روحاني و علمايي كه در عقيدتي، سياسي هستند و چه غير معممان نظامي و غير نظامي‌يي كه با آنها همكاري مي‌كنند ـ مطرح مي‌كنم و آن اين است كه نيروهاي مسلح، اگر چه براي استحكام خود، به اسلحه وتجهيزات و آموزش ونيروي انساني و امثال اينها احتياج دارند، اما آن چيزي كه ارتش اسلامي را از همه‌ي ارتشهاي ديگر متمايز مي‌كند، عبارت است از ايمان به خدا و تعبد در مقابل فرمان الهي و احساس اين كه جنگشان جهاد في‌سبيل‌الله است. اين، آن عامل اصلي است كه اگر آن را جدا كنيم، لشكر اسلامي هم مثل بقيه‌ي ملتها و لشكرهاي كشورهاي ديگر، چيزي در عداد آنها خواهد شد. يعني اگر اسلحه و تجهيزات و نفرات ونيرو و استعداد بالا داشت، ممكن است بتواند مقاومت كند; و الا اگر تعداد طرف مقابل، يك خرده بيشتر و يا تجهيزاتشان پيشرفته‌تر بود، مجالي براي تحرك اينها نخواهد داد.
شما مي‌دانيد كه امروز دشمنان اسلام از لحاظ عده و عده و امور مادي، از كساني كه در خدمت اسلام و پشتيبان اسلامند، قويترند. اين در صورتي است كه ما آن ايمان را حذف كنيم; اما اگر عامل ايمان مورد ملاحظه قرار بگيرد و ارتش و نيروي مسلح اسلامي ـ اعم از ارتش و سپاه ـ به ايمان مجهز بشود و با اتكاي به خدا و براي جهاد في‌سبيل‌الله و انجام تكليف عمل بكند، هيچ قدرتي در دنيا، با هر تجهيزاتي كه داشته باشد، نخواهد توانست در مقابل او مقاومت كند. اين باور را بايد در ميان نيروهاي مسلح به وجود آورد; و الا تجهيزات چيزي نيست كه در ميدان آن بتوانيم با قدرتهاي بزرگ جهاني رقابت كنيم; زيرا آنها از لحاظ تجهيزات و نيروي انساني، سالها از ما جلوترند.
عامل ايمان در اختيار ماست; بايد آن را به نيروي رزمنده تزريق كرد. هر جا كه ما پيش رفتيم، با اين نيرو پيش رفتيم و هر جا كه شكست خورديم، اين نيرو در ما ضعيف شده بود. اگر برويد عمليات را تحليل كنيد، به همين نقطه خواهيد رسيد. آن جايي كه دلها به شعله‌ي ايمان مشتعل بوده است، ما از همه‌ي سدها و مانعها گذشتيم و جلو رفتيم و آن جايي كه گرايش به ماديات و ظواهر و بي‌رغبتي به صواب الهي و بي‌توجهي به تكليف شرعي، نيتهاي ما را مختصري مشوب و مخدوش كرده است، همان جا ضربه خورديم و شكست را پذيرفتيم.
اين جنگ تحميلي هشت‌ساله، صفحه‌ي عجيبي براي تجربه‌ي اين واقعيت است. اين را بايد تقويت كرد. اين، در ارتش جمهوري اسلامي، به وسيله‌ي همين واحدهاي عقيدتي، سياسي قابل تأمين است. البته، آقايان توجه بفرماييد كه با عمل و زبان ـ هر دو ـ بايد تبليغ كرد و اخلاص را بايد مشعل راه قرار داد و به وسيله‌ي رفتار، دلها را به صدق گفتار معتقد كرد; و الا اگر رفتار خوب در كنار گفتار خوب نباشد، صدق گفتار خوب براي مخاطب ثابت نخواهد شد و آن تأثيري كه ما به آن نياز داريم، به وقوع نخواهد پيوست.
اميدوارم كه خداوند متعال به همه‌ي شما برادران و خواهران محترم، در هر قسمتي كه هستيد و به هر وظيفه‌يي كه اشتغال داريد و در هر نقطه‌يي از نقاط كشور كه زندگي مي‌كنيد، لطف و فضل و توفيق خود را عنايت كند و قلب مقدس ولي‌عصر (ارواحنافداه) را از ما راضي و خشنود نمايد و ان‌شاءالله ما را به انجام تكليف و وظيفه‌ي الهي خود موفق بدارد.
والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته